

# ادعیه و خیرات و مبرات و شفاعت

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (95) - آثار حضرت بهاء الله - امر و خلق، جلد 1

## ۹۵ - ادعیه و خیرات و مبرات و شفاعت

از حضرت بهاء الله در لوح شهیر پارسی است. قوله الابهی: "براستی میگویم روان از کردار پسندیده خوشنود میشود و داد و دهش در راه خدا باو میرسد."

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزیز: "چون روح انسانی بعد از خلع این قالب عنصری حیات جاودانی دارد البته شیئی موجود قابل ترقی است لهذا از برای انسان بعد از وفات طلب ترقی و طلب عفو و طلب عنایت و طلب مبرات و طلب فیوضات جائز است چه که وجود قابل ترقی است این است که در مناجاتهای جمال مبارک بجهت آنانکه عروج کردهاند طلب عفو و غفران شدهاست و از این گذشته همچنانکه خلق در اینعالم محتاج بحق هستند در آنعالم نیز محتاج هستند همیشه خلق محتاج است حق غنی مطلق چه در این عالم و چه در آنعالم و غنای آنعالم تقرّب بحق است در اینصورت یقین است که مقربان در گاه الهی را شفاعت جائز و این شفاعت مقبول حقّ اما شفاعت در آن عالم مشابّهت بشفاعت در اینعالم را ندارد کیفیتی دیگر است و حقیقتی دیگر که در عبارت ننگجد و اگر انسان توانگر در وقت وفات باعانت فقراء و ضعفا وصیت کند و مبلغی از ثروت خویش را اتفاق ایشان نماید ممکن است این عمل سبب عفو و غفران و ترقی در ملکوت رحمن گردد و همچنین پدر و مادر نهایت تعب و مشقت بجهت اولاد کشند و اکثر چون بسن رشد رسند پدر و مادر بجهان دیگر شتابند نادراً واقع که پدر و مادر در مقابل مشقات و زحمات خویش در دنیا مکافات از اولاد بینند پس باید اولاد در مقابل مشقات و زحمات پدر و مادر خیرات و مبرات نمایند و طلب عفو و غفران کنند ... حتی کسانیکه در گاه و عدم ایمان مردهاند ممکن است که تغییر نمایند یعنی مظهر غفران شوند و این بفضل الهی



ORIGINAL

است نه بعدل ... چنانچه ما در اینجا قوه داريم که در حق این نفوس دعا نمائيم همین طور در عالم ديگر هم که عالم ملکوت باشد همین قوه را دارا خواهيم بود آیا جميع خلق آنعالم مخلوق خدا نیستند پس در آن عالم هم میتوانند ترقی کنند همچنانکه در اینجا میتوانند بتضرع اقتباس انوار نمایند در آنجا هم میتوانند طلب غفران نمایند بتضرع و رجا اقتباس انوار کنند. پس چون نفوس در اینعالم بواسطه تضرع و ابتهال یا دعای مقدسین تحصیل ترقی نمایند بهمچنین بعد از فوت نیز بواسطه دعا و رجاى خود میتوانند ترقی کنند علیالخصوص چون مظهر شفاعت مظاهر مقدسه گردند."

و در خطابی از آنحضرت است. قوله العزیز: "در این دور رحمانی تضرع و زاری و شفاعت بدرگاه احدیت از برای جميع نوع انسانی جائز و مثمر ثمر زیرا ایندور جمال مبارک است و رحمت برای جميع وجود از غیب و شهود."

و قوله الجلیل: "اما خیرات و مبرات البته از برای اموات سبب تهوین سیئات و تزئید حسنات گردد زیرا نفوس از آن خیرات مستفید شوند و آن مانند استغفار است و چون ثمر استغفار مسلم خیرات و مبرات احسن و اعظم."

و قوله الکریم: "ترقی روح انسانی بعد از قطع تعلق از جسد ترابی در عالم الهی یا بصرف فضل و موهبت ربّانی و یا بطلب مغفرت و ادعیه خیریه سائر نفوس انسانی و یا بسبب خیرات و مبرات عظیمه که بنام او مجری گردد حاصل شود."

و نیز از آنحضرت است . قوله العزیز: "اما شفاعت حضرت رسول مخصوص بامت رسول بود."

و از حضرت بهاءالله است عزّ بیانه: "هو السامع المجیب قل اشهد یا الهی بما شهد به انبیائک و اصفیائک و بما انزلته فی کتیبک و صحفک اسألك باسرار کتّابک و بالذی فتحت به ابواب العلوم علی خلقک و رفعت رایة التوحید بین عبادک بان ترزقنی شفاعة سید الرسل و هادی السبل."

و قوله جلّ ثنائه: "اسئلك یا فالق الاصباح و مسخر الرياح بانبیائک و رسلک و اصفیائک و اولیائک الذین جعلتهم اعلام هدايتک بین خلقک و رایات نصرتك فی بلادک و بالنور الذی اشرق من افق الحجاز و تنورت به یثرب و البطحاء و ما فی ناسوت الانشاء بان تؤید عبادک."

حاشية

ابو حنیفة بمعدودی از آیات و احادیث استشهاد کرد که حضرت نبوی تواند شفاعت از گناهان کبیره امت خود کند و مقبول بارگاه کبریا گردد ولی معتزله گفتند که شفاعت نبی تأثیری در اسقاط عذاب نکند و بآیاتی نیز استدلال نمودند

در قران است قوله تعالى: كل نفس بما كسبت رهينة و قوله: ليس للانسان الا ما سعى و ان سعيه سوف يری و قوله: ما لهم ما شافعين فما تنفعهم شفاعة الشافعين و قوله: يا نوح انه ليس من اهلك انه عمل غير صالح